



# ختم خطابه فدک

به همراه شرح فرازهای این خطبه

رَوَى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ لَمَّا

از عبد الله بن حسن به اسناد مذکور در متن نقل است که: وقتی

أَجْمَعَ أَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ عَلَى مَنَعِ فَاطِمَةَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَذَكَ وَبَلَغَهَا ذَلِكَ

أبو بکر و عمر برای منع حضرت زهرا علیها السلام از فدک، همدست شدند و از آن با خبر شد،

لَاثَتْ خِمَارَهَا عَلَى رَأْسِهَا وَاشْتَمَلَتْ بِجِلْبَابِهَا وَأَقْبَلَتْ فِي

مقنعه بر سر کشیده و پارچه‌ای بر سر انداخته و با چند تن از اطرافیان و

لُمَّةٍ مِنْ حَفَدَتِهَا وَنِسَاءِ قَوْمِهَا تَطَأُ ذُيُولَهَا مَا تَحْرِمُ

زنان قوم خود به سوی مجلس أبو بکر حرکت فرمود، در حالی که دامن لباسهایش به زمین می خورد

مِشِيَّتُهَا مِشِيَّةَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ حَتَّى دَخَلَتْ عَلَى أَبِي بَكْرٍ وَ

همچون رسول خدا صلی الله علیه و آله راه می رفت، چون وارد مسجد شد أبو بکر

هُوَ فِي حَسَدٍ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَغَيْرِهِمْ فَنَيْطَتْ

در میان عده ای از مهاجران و انصار نشسته بود. پس پرده‌ای زدند، و آن

دُونَهَا مُلَاءَةٌ فَجَلَسَتْ ثُمَّ أَنْتَ أَنْتَ أَجْهَشَ الْقَوْمُ

حضرت در پشت آن پرده جلوس فرمود، سپس آن حضرت آه دردناکی از دل سوزان خود کشید

لَهَا بِالْبُكَاءِ فَارْتَجَّ الْمَجْلِسُ ثُمَّ أَمَهَلَتْ هُنَيْئَةً حَتَّى

و همه مجلس به گریه، ناله، جوش و خروش افتاده و یکپارچه اندوه و عزا شد، سپس آن حضرت اندکی صبر نمود

إِذَا سَكَنَ نَشِيْجُ الْقَوْمِ وَ هَدَأَتْ فَوْرَتَهُمْ افْتَتَحَتِ الْكَلَامَ

تا مردمان آرام گرفته از خروش افتادند. آن گاه سخن خویش

بِحَمْدِ اللَّهِ وَ الثَّنَاءِ عَلَيْهِ وَ الصَّلَاةِ عَلَى رَسُولِهِ فَعَادَ الْقَوْمُ فِي

را با حمد و ستایش خداوند و درود بر پیامبر ﷺ آغاز فرمود. مردمان دوباره به

بُكَائِهِمْ فَلَمَّا أَمْسَكُوا عَادَتْ فِي كَلَامِهَا فَقَالَتْ عَلَيْهِ السَّلَامُ :

گریه افتادند. همین که از گریه باز ایستادند، برای بار دوم آغاز سخن کرده و این گونه فرمود:

الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَنْعَمَ وَ لَهُ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَلْهَمَ

خداوند جهان راسپاس و ستایش می‌کنم و در برابر آنچه آموخته شکر می‌گویم.

وَالشَّانُ بِمَا قَدَّمَ مِنْ عُمومٍ نِعَمٍ ابْتَدَأَهَا وَسُبُوغِ آلاءِ أَسَدَاهَا

ثناء مخصوص اوست برای آنچه پیشاپیش به بندگان بخشیده و بدون

وَتَمَامِ مِنْ أَوْلَاهَا جَمًّا عَنِ الإِحْصَاءِ عَدْدُهَا وَنَأَى عَنِ

درخواست عطا نموده و بخشش های فراوانی را ارزانی داشته است نعمت های

الْجَزَاءِ أَمْدُهَا وَتَفَاوَتِ عَنِ الإِدْرَاكِ أَبْدُهَا وَنَدَبَهُمْ

پروردگار از شماره و اندازه و احاطه افکار ما خارج است، و

لِاسْتِزَادَتِهَا بِالشُّكْرِ لِاتِّصَالِهَا وَاسْتِحْمَدَ إِلَى الخَلَائِقِ

سپاسگزاری و تشکر بر نعمت او موجب دوام و مزید آن قرار داده شده

بِإِجْزَالِهَا وَثَنِي بِالنَّدْبِ إِلَى أَمْثَالِهَا وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ

و تداوم و تواتر احسان او سبب حمد و ستایش او خواهد بود. و شهادت می دهم معبودی جز الله نیست و او یکتا و

وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ كَلِمَةٌ جَعَلَ الإِخْلَاصَ تَأْوِيلَهَا

بی شریک است، و البته تأویل این کلمه (شهادت به وحدانیت) به حقیقت اخلاص می باشد. خداوند دل ها را به

وَ ضَمَّنَ الْقُلُوبَ مَوْضُولَهَا وَ أَنَارَ فِي التَّفَكَّرِ مَعْقُولَهَا

یگانه پرستی پیوند داده است. خداوند فکر انسان را برای درک یکتایی اش روشن نموده است و خصوصیات و

الْمُتَنَعُ مِنَ الْأَبْصَارِ رُؤْيَتُهُ وَ مِنَ الْأَلْسُنِ صِفَتُهُ

تحقیق مقام توحید به نور تفکر و ایمان ظاهر خواهد شد، چشم ها از مشاهده او ناتوان اند؛ و زبان ها از بیان و تقریر

وَ مِنَ الْأَوْهَامِ كَيْفِيَّتُهُ ابْتَدَعَ الْأَشْيَاءَ لَا مِنْ شَيْءٍ كَانَ قَبْلَهَا

اوصافش بازمانده اندوهم و خیال از درک چگونگی اش عاجزاند. همه موجودات را بی هیچ سابقه و ماده به مرحله

وَ أَنشأها بلا احتذاءٍ أمثلةٍ أمثلها كَوْنَهَا بِقُدْرَتِهِ وَ ذَرَأَهَا

ظهور و هستی آورد، او آن ها را بدون اینکه از الگو و نمونه ای پیروی کند، آفرید و با مشیت و توانائی

بِمَشِيَّتِهِ مِنْ غَيْرِ حَاجَةٍ مِنْهُ إِلَى تَكْوِينِهَا وَ لَا فَايِدَةٍ لَهُ فِي

کامل خود و او هرگز به آفرینش آنان محتاج نبود و شکل دادن آنها، هیچ سودی برایش نداشت. خدا با آفرینش

تَصْوِيرِهَا إِلَّا تَثْبِيثًا لِحُكْمَتِهِ وَ تَنْبِيهَا عَلَى طَاعَتِهِ

خود تنها می خواست حکمتش را ثابت کند و به مخلوقاتش فهماند که باید از او اطاعت کنند .

وَإِظْهَاراً لِقُدْرَتِهِ تَعْبُداً لِبَرِيَّتِهِ وَإِعْزَازاً لِدَعْوَتِهِ ثُمَّ جَعَلَ

او تنها می خواست قدرتش را اشکار نماید، بندگانش را به پرستش خود وادارد و با عزت و اقتدار، آفریدگانش را به

الثَّوَابَ عَلَى طَاعَتِهِ وَوَضَعَ الْعِقَابَ عَلَى مَعْصِيَتِهِ ذِيَادَةً

بندگی خود دعوت کند. سپس او برای اطاعتش پاداش ثواب قرارداد و برای نافرمانی اش کیفر و عذاب مشخص

لِعِبَادِهِ مِنْ نِقْمَتِهِ وَحِيَاثَةً لَهُمْ إِلَى جَنَّتِهِ وَأَشْهَدُ أَنَّ أَبِي

کرد تا بندگانش را از عذاب خود دور کند و به بهشت خود تشویق نماید. و شهادت می‌دهم که پدرم

مُحَمَّدًا عَبْدَهُ وَرَسُولَهُ اخْتَارَهُ وَأَنْتَ جَبَهُ قَبْلَ أَنْ أُرْسَلَهُ وَسَمَّاهُ قَبْلَ

محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده خداوند بود، که او را پیش از بعثت ، به مقام

أَنْ اجْتَبَاهُ وَاصْطَفَاهُ قَبْلَ أَنْ ابْتَعَثَهُ إِذِ الْخَلَائِقُ بِالْغَيْبِ

رسالت و نبوت؛ در عالم غیب او را برگزیده است، زیرا مراتب و مقامات اشخاص از

مَكُونَةٌ وَبِسْتَرِ الْأَهَاوِيلِ مَصُونَةٌ وَبِنِهَايَةِ الْعَدَمِ

روز ازل و از همان عالم غیب معلوم و معین گردیده است. و خداوند متعال به عواقب امور و جریان

مَقْرُونَةٌ عَلَمًا مِنَ اللَّهِ تَعَالَى بِمَثَائِلِ الْأُمُورِ وَ إِحَاطَةً

کارها آگاه است، و او به صلاح و فساد و حوادث و پیش آمدهای روزگار محیط و عالم است.

بِحَوَادِثِ الدُّهُورِ وَ مَعْرِفَةَ بِمَوَاقِعِ الْأُمُورِ ابْتَعَثَهُ اللَّهُ تَعَالَى

خداوند فرستاده و رسول خود را مبعوث فرمود

إِتْمَامًا لِأَمْرِهِ وَ عَزِيمَةً عَلَى إِمْضَاءِ حُكْمِهِ وَ إِنْفَاذًا لِمَقَادِيرِ

تا او امر و احکام و فرامین او در میان بشر روشن شده، و تقدیراتش را به اجرا در آورد. مردم را می دید که چگونه فرقه فرقه

حَتْمِهِ فَرَأَى الْأُمَّةَ فِرْقًا فِي أَدْيَانِهَا عُكْفَاءً عَلَى نِيرَانِهَا عَابِدَةً

شده اند؛ هر کدامشان دینی برای خود برگزیده اند و به آتشی که به دست خود برافروخته اند، رو کرده اند. بت ها را می

لِأَوْثَانِهَا مُنْكَرَةً لِلَّهِ مَعَ عِرْفَانِهَا فَأَنَارَ اللَّهُ بِأَبِي مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ

پرستند و با اینکه خدا را می شناسند، انکارش می کنند. پس خداوند به نور محمد ص بساط ظلمت را برچید، و دلها

ظَلَمَهَا وَ كَشَفَ عَنِ الْقُلُوبِ بُهْمَهَا وَ جَلَى عَنِ الْأَبْصَارِ غَمَمَهَا

را از تیرگی کفر و نادانی رهانید، و ابرهای تیره و تار را از مقابل دیدگان به یک سو فکند و دیدگانشان را روشنی بخشید.

وَقَامَ فِي النَّاسِ بِالْهُدَايَةِ فَأَنْقَذَهُمْ مِنَ الْغَوَايَةِ وَبَصَّرَهُمْ

او (پیامبر خدا) برای هدایت مردم به پای خاست و آنها را از گمراهی و ناراستی رهایی بخشید و به دل های تاریکشان،

مِنَ الْعَمَايَةِ وَهَدَاهُمْ إِلَى الدِّينِ الْقَوِيمِ وَدَعَاهُمْ إِلَى الطَّرِيقِ

بصیرت و بینایی بخشید. آنان را به آیین پا بر جای اسلام رهنمون و به راه

الْمُسْتَقِيمِ ثُمَّ قَبَضَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ قَبْضَ رَافَةٍ وَاخْتِيَارٍ وَرَغْبَةٍ وَ

راست دعوت نمود. سپس خداوند از روی اختیار و مهربانی، و میل و

إِيْثَارٍ فَمَحَمَّدٌ ﷺ مِنْ تَعَبِ هَذِهِ الدَّارِ فِي رَاحَةٍ

ایثار، جواری رحمت خود را به او ارزانی داشت، و او را از رنج این جهان دل آسوده و راحت نمود

قَدْ حُفَّ بِالْمَلَائِكَةِ الْأَبْرَارِ وَرِضْوَانِ الرَّبِّ الْغَفَّارِ وَ

و فرشتگانی مقرب بر او گماشت. چتر دولتش را در همسایگی

مُجَاوَرَةِ الْمَلِكِ الْجَبَّارِ صَلَّى اللَّهُ عَلَى أَبِي نَبِيِّهِ وَ أَمِينِهِ

خود افراشت و طومار مغفرت و رضوان را به نام او نگاشت.



وَخَيْرَتِهِ مِنَ الْخَلْقِ وَصَفِيَّهِ وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَ

منتخب از خلق و برگزیده . درود و سلام و رحمت و

بَرَكَاتُهُ.

برکات الهی بر او باد